

The Representation of Freedom in the Press during the Constitutionalist Era in Iran through van Leeuwen's Model

Ehsan Maktabi¹ Mohammad Tohidfam²

Ahmad Bakhshayesh Ardestani³ Hojjatollah Darvishpour⁴

1. PhD. Student, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. maktabi.ehsan48@gmail.com
2. Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author). tohidfam_m@yahoo.com
3. Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Ahmadbakhshi0912@gmail.com
4. Assistant professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. dr.darvishpur2018@yahoo.com



Abstract

The Constitutionalist era in Iran brought about a period of significant transformation, where Iranians were exposed to a multitude of new terms and phenomena, resulting in heightened awareness. This newfound awareness laid the groundwork for a shifting of power dynamics and eventually led to structural changes within the country. However, it is important to note that religious, political, and elite figures, shaped by their distinct backgrounds and interests, did not equally reflect these changes. Consequently, varying interpretations of key concepts such as freedom, equality, and law emerged, which were then reflected in the press and

* Maktabi, E.; Tohidfam. M.; Bakhshayesh Ardestani, A.; Darvishpour, H. (2023). The Representation of Freedom in the Press during the Constitutionalist Era in Iran through van Leeuwen's Model. *Journal of Political Science*, 26(101), pp. 222-245. <https://doi.org/10.22081/psq.2023.62841.2598>

* **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

* **Type of article:** Research Article

☑ **Received:** 2022/01/02 • **Revised:** 2022/01/30 • **Accepted:** 2022/02/04 • **Published online:** 2022/02/06

© The Authors



media of the time. This research aims to examine the representation of the concept of freedom in the press during a specific historical era, utilizing van Leeuwen's model as a framework. The focus is on analyzing newspapers such as *Qanun*, *Habl al-Matin*, *Sur-e Esrafil*, and *Mosavat*. The research method employed is content analysis, drawing upon van Leeuwen's theory of representation. The theoretical framework is based on his model, which comprises four key categories: authorization, moral evaluation, rationalization, and mythopoesis. These categories contribute to the discursive construction of legitimization, demonstrating how each element plays a role in legitimizing concepts within representations. Consequently, this research investigates the legitimization of events presented in the press utilizing van Leeuwen's model. Data has been collected from documents and the aforementioned newspapers during the two-year period of the Constitutional Movement, spanning from spring 1285 Sh to summer 1287 Sh.

Keywords

Press, Constitutionalist era, freedom, publications, van Leeuwen's model.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تمثيل الحرية في الصحافة إبان العصر الدستوري

بناءً على نموذج فان ليوين*

إحسان مكتبي^١ محمد توحيد فام^٢ أحمد بخشايش أردستاني^٣ حجة الله درويش بور^٤

١. طالب دكتوراه بقسم العلوم السياسية، جامعة آزاد الإسلامية (فرع وسط طهران)، طهران. Maktabi.ehsan48@gmail.com

٢. أستاذ بقسم العلوم السياسية، جامعة آزاد الإسلامية (فرع وسط طهران)، طهران، إيران (الكاتب المسؤول).

tohidfam_m@yahoo.com

٣. أستاذ بقسم العلوم السياسية، جامعة آزاد الإسلامية (فرع وسط طهران)، طهران، إيران. Ahmadbakshshi0912@gmail.com

٤. أستاذ مساعد بقسم العلوم السياسية، جامعة آزاد الإسلامية (فرع وسط طهران)، طهران، إيران.

dr.darvishpur2018@yahoo.com



الملخص

واجه الإيرانيون في العصر الدستوري في العالم الجديد الكثير من المصطلحات والمفردات والظواهر المختلفة، مما أدى إلى وعي جديد. أصبح هذا الوعي أساساً لإزاحة عناصر القوة والتغييرات الهيكلية في إيران في آخر المطاف. لكن النشاط الدينيين والسياسيين والنخبويين، بسبب الفوارق التربوية والاهتمامات المختلفة، لم يكن لديهم نفس التمثيل لهذه التغييرات. ونتيجة لذلك، تم تشكيل تفسيرات مختلفة للمفردات والمفاهيم لديهم مثل الحرية والمساواة والقانون، وانعكس ذلك في الصحافة ووسائل الإعلام في ذلك العصر. يهدف البحث الراهن إلى معرفة كيفية تمثيل مفهوم الحرية في الصحافة في هذا العصر بناءً على نموذج فان ليوين، مع التركيز على صحف «قانون» و «حبل متين» و «صور إسرافيل» و «مساوات». طريقة البحث هي تحليل المحتوى بناءً على نظرية تمثيل فان ليوين وتم تصميم الإطار النظري بناءً على النظرية المذكورة أعلاه. يشكّل نموذج فان ليوين، الذي يعتمد على أربع فئات رئيسية أي الشرعنة والتقييم الأخلاقي والعقلنة والأسطورية،

* مكتبي، إحسان؛ توحيد فام، محمد؛ بخشايش أردستاني، أحمد و درويش بور، حجة الله. (٢٠٢٣). تمثيل الحرية في الصحافة إبان العصر الدستوري بناءً على نموذج فان ليوين. فصلية علمية محكمة علوم سياسي، ٢٦(١٠١)، صص ٢٢٢-٢٤٥.
<https://doi.org/10.22081/psq.2023.62841.2598>

البناء الخطابي للشرعنة ويوضح كيف يمكن لكل عنصر من هذه العناصر أن يؤثر على شرعنة المفاهيم في التمثيل. بناءً على ذلك، جرت في البحث الراهن محاولة لدراسة شرعنة الأحداث في الصحافة بناءً على نموذج فان ليوين، ولهذا الغرض تم جمع المعلومات من الوثائق ومحتويات الصحف المذكورة في فترة الستين للدستورية - من ربيع ١٢٨٥ إلى صيف ١٢٨٧.

كلمات مفتاحية

الصحافة، الفترة الدستورية، الحرية، الصحف، نموذج فان ليوين.



بازنمایی آزادی در مطبوعات عصر مشروطه

مبتنی بر الگوی ون لیوون*

احسان مکتبی^۱، محمد توحیدفام^۲، احمد بخشایش اردستانی^۳، حجت‌اله درویش‌پور^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Maktabi.ehsan48@gmail.com

۲. استاد گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

tohidfam_m@yahoo.com

۳. استاد گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Ahmadbakhshi0912@gmail.com

۴. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. dr.darvishpur2018@yahoo.com



چکیده

ایرانیان عصر مشروطه در دنیای جدید، با انبوهی از اصطلاحات، واژه‌ها و پدیده‌های متفاوت روبه‌رو شدند که آگاهی‌های نوینی را در پی داشت. این آگاهی‌ها زمینه‌ساز جابجایی عناصر قدرت و در نهایت تغییرات ساختاری در ایران شد. اما کنش‌گران دینی، سیاسی و نخبگان، به دلیل تربیت و دغدغه‌های متفاوت، بازنمایی یکسانی از این تغییرات نداشتند؛ در نتیجه برداشت‌های گوناگونی از واژه‌ها و مفاهیمی مانند آزادی، برابری و قانون شکل گرفت و در مطبوعات و رسانه‌های آن عصر بازتاب یافت. پژوهش حاضر درصدد بررسی چگونگی بازنمایی مفهوم آزادی در مطبوعات این عصر، مبتنی بر الگوی ون لیوون، با تأکید بر نشریات قانون، حبل‌المتین، صور اسرافیل و مساوات است. روش پژوهش، تحلیل محتوا بر مبنای نظریه‌ی بازنمایی ون لیوون بوده و چارچوب نظری نیز بر مبنای نظریه‌ی فوق

* **استناد به این مقاله:** مکتبی، احسان؛ توحیدفام، محمد؛ بخشایش اردستانی، احمد؛ درویش‌پور، حجت‌اله. (۱۴۰۲).

بازنمایی آزادی در مطبوعات عصر مشروطه مبتنی بر الگوی ون لیوون. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی،

۱۰(۱)۲۶، صص ۲۲۲-۲۴۵. <https://doi.org/10.22081/psq.2023.62841.2598>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقر العلوم (عج) قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷



طراحی شده است. الگوی ون لیوون با تکیه بر چهار مقوله‌ی عمده‌ی اقتدارسازی، ارزیابی اخلاقی، عقلانی‌سازی و اسطوره‌سازی، ساخت گفتمانی مشروعیت‌سازی را تشکیل می‌دهد و نشان می‌دهد که هر یک از این عناصر چگونه می‌تواند بر مشروعیت‌سازی مفاهیم در بازنمایی بینجامد. بر این اساس در پژوهش حاضر تلاش شده است مشروعیت‌سازیِ اتفاقات در مطبوعات، بر اساس الگوی ون لیوون مورد مطالعه قرار گیرد و به این منظور برای جمع‌آوری اطلاعات از اسناد و مدارک و محتوای نشریات فوق در دوره‌ی زمانی دو ساله‌ی مشروطه - از بهار ۱۲۸۵ تا تابستان ۱۲۸۷- استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها

مطبوعات، دوره‌ی مشروطه، آزادی، نشریات، الگوی ون لیوون.



مقدمه

مشروطه از مهم‌ترین بزنگاه‌های تاریخی ایران است که به مثابه‌ی دروازه‌ی ورود مفاهیم و نهادهای مدرن به جامعه‌ی ایران تلقی شده و نیز اولین آوردگاه رسمی سنت و مدرنیته به‌شمار می‌آید. انقلاب مشروطه بر بستری از نارضایتی‌های گسترده در ایران نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم شکل گرفت و به همین دلیل در آغاز، حمایت بیش‌تر قشرهای جامعه‌ی ایران را به همراه داشت و تجسم آرمان‌ها و آرزوهای تاریخی گروه‌های مختلف مردم به‌شمار می‌رفت. اما اندکی پس از پیروزی و در حالی که هنوز چند صباحی از مرگ استبداد نگذشته بود، اختلاف و منازعه فراگیر شد و دوستان و یاران سابق به جان یکدیگر افتادند و هریک همت خود را معطوف به حذف و طرد دیگری کردند و سرانجام این منازعات با به‌توپ بستن مجلس، به نابودی مشروطه و ظهور مجدد استبداد منجر شد.

ناگفته پیداست که به‌وجود آمدن مفاهیم جدید در عصر قاجار، با توجه به آشنایی‌های جدید ایرانیان با جهان مدرن اتفاق افتاد. تولید مفاهیم جدید در ادبیات آن روزگار در کنار ترجمه‌های متفاوت و مختلف از این اصطلاحات باعث شد تا برداشت‌های متفاوتی از واژگان و مفاهیم جدید پدید آید. بررسی واکاوانه‌ی مفهوم آزادی در مطبوعات این عصر و نیز تفسیرهای نخبگان سیاسی و علما حکایت از این واقعیت دارد که اجماع و تعریف واحدی از مفهوم آزادی وجود نداشته و هریک از آنها بر مبنای تفسیرهای خود عمل می‌کردند. این مسأله، اختلاف، تشتت آراء و برخورد‌های فکری و سیاسی بین ایشان را در پی داشت؛ تا آن‌جا که بین علمای دینی و نخبگان سیاسی، در تعریف و تبیین دقیق این واژه اختلاف نظرهای عمیقی ایجاد شد. بخشی از مطبوعات مشروطه‌طلب با بازنمایی مفهوم آزادی در چارچوب سنت غربی، بر تفسیری سکولار از آزادی تأکید کرده و آزادی را در تعارض با سنت‌ها تفسیر می‌کردند؛ این تفاسیر باعث شد تشتت بین همه‌ی لایه‌های سیاسی و مذهبی به‌وجود آید؛ انشقاقی که هیچ‌گاه درمان نشد.

بر این اساس، اختلاف نظر و تشتت آراء نسبت به مفهوم آزادی، باعث ابهام و تفسیرهای متعدد نسبت به این مفهوم شد. مطبوعات این عصر، نقشی با اهمیت در بازنمایی این برداشت‌ها داشتند؛ از این رو با بررسی و تحلیل آنها می‌توان به ابعاد این تفاوت پی برد و به طرح این پرسش پرداخت که: مفهوم آزادی در مطبوعات عصر مشروطه چگونه بازنمایی شد و این بازنمایی‌ها چه پیامدهایی را به همراه داشت؟ این مقاله تلاش کرده است چگونگی طرح مفهوم آزادی در مطبوعات عصر مشروطه را با استفاده از نظریه‌ی «ون لیوون» نقد و بررسی کرده و به پرسش‌های طرح شده پاسخ دهد. این بحث را با نگاهی به این نظریه و چگونگی کاربری آن در تحلیل مطبوعات این عصر آغاز می‌کنیم.

۱. چارچوب نظری و روش‌شناسی

چارچوب نظری و روش‌شناسی این مقاله، متأثر از نظریه‌ی بازنمایی ون لیوون است. «بازنمایی»، به‌ویژه در خوانش ون لیوون، روشی کیفی است که می‌کوشد تا از متون و زبان، رمزگشایی کند. این نظریه در امتداد و راستای روش‌هایی هم‌چون هرمنوتیک، به‌ویژه در خوانش اسکینری آن، رهیافت تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل محتوا، کاربردشناسی و مطالعات پیکره‌ی بنیاد، قرار دارد و می‌کوشد میان متن و زمینه ارتباط معقول و گویایی پدید آورد. بازنمایی، تولید معنا از طریق چارچوب‌های گفتمانی و مفهومی است. از این دیدگاه، هر صورتی، معنایی را در پس خود نهفته دارد و با رویه‌های دلالت - که به معنای فرایند تولید معنا از طریق زبان است - به جهان و زندگی معنا داده می‌شود؛ به تعبیری دیگر، ما جهان را از راه بازنمایی، می‌سازیم (هال، ۱۳۸۲، ص ۴۵). به بیان روشن‌تر، بازنمایی یکی از شیوه‌های تولید معنا است. به این خاطر در این شیوه، واقعیت، به نحو معناداری وجود ندارد و از آن‌جا که معنا، بی‌ثبات یا لغزنده است، بنابراین همیشه قرار ملاقاتش را با حقیقت مطلق به تأخیر می‌اندازد (بیرنه و سیلورمن، ۱۳۹۸، ص ۴۹). این مطلب البته به آن مفهوم نیست که جهان دارای معنا نیست، بلکه واقعیت جهان، فارغ از بازنمایی‌ها وجود دارد اما معنادار شدن جهان در گرو چگونگی بازنمایی آن است.

از نظر لیون، معنا، بر ساخته‌ای اجتماعی است و اکتشافی طبیعی نیست. هر چند جنس، رنگ و نژاد، مسأله‌ای ذاتی و طبیعی است، اما جنسیت، سیاه‌پوست یا سفیدپوست بودن و نحوه‌ی تعمیم و ارزش‌گذاری بر آنها، بر اساس مناسبات اجتماعی و روابط قدرت بازنمایی می‌شود و بدین‌گونه زن، جنس دوم، سیاه‌پوستان و رنگ، در حاشیه معنا می‌شوند؛ این در حالی است که با تغییر مناسبات قدرت و تعاملات اجتماعی، معنای رنگ‌ها و جنس‌ها نیز تغییر می‌کند. بنابراین، بازنمایی می‌تواند مبتنی بر دو گانه‌سازی پدیده‌ها و اتفاقات، به آنها مفهوم مثبت و منفی بدهد و ارزش‌ها را جابه‌جا کند (مهدی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۰).

یکی دیگر از خصوصیات و ویژگی گفتمان‌ها این است که با غیریت‌سازی و نسبت دادن خصوصیات منفی به غیر و مثبت‌سازی خودی تعریف می‌شود. در این‌باره نیز باید گفت «خود»، مفهومی طبیعی و ذاتی نیست و صاحبان قدرت با بازسازی این مفهوم، به گونه‌ای آن را معنا می‌کنند که خود به‌عنوان دالّ مرکزی در عالم، بازنمایی می‌شود و هرچه جز آن است، «غیر خودی» معنا می‌یابد. بنابراین، امری را که ذاتی و طبیعی نیست را در بازنمایی به گونه‌ای سامان می‌دهند که طبیعی معرفی می‌شود. این بازنمایی را می‌توان در سفرنامه‌ها، داستان‌سرایی‌ها و سفرهای مستشرقان غربی به کشورهای شرقی و یا آفریقایی مشاهده کرد. مبنای کار در این روش آن است که همه‌ی متن‌ها باید به‌عنوان بازتاب کنش‌های اجتماعی تفسیر شوند. ون لیوون فراتر از چارچوب‌های ساختاری سنتی و زبان‌شناختی پیش می‌رود تا چیزی که در آن شخصیت‌ها در گستره‌ای از روش‌های زبان‌شناختی و گاهی غیرقابل پیش‌بینی شکل گرفته‌اند را تحلیل کند.

۱-۱. ساخت گفتمانی مشروعیت‌سازی

ون لیوون چهار مقوله‌ی عمده را در جهت تولید مشروعیت برای مفاهیم، مورد بحث و نظر قرار داده است که عبارت‌اند از: اقتدارسازی، ارزیابی اخلاقی، عقلانی‌سازی و اسطوره‌سازی (لاکلا، ۱۳۹۵، ص ۲۱۲).

۱-۱-۱. اقتدارسازی

عبارت است از تولید اقتدار به وسیله‌ی ارجاع مفهوم به اقتدار و جایگاه سنت، عرف و قانون و یا افرادی که در جامعه یا در تاریخ به مثابه‌ی سنت، قانون و یا عرف شناخته می‌شوند. ون لیوون اقتدار را به اقتدار کارشناس مانند اقتدار تخصص در حوزه‌های مختلف، اقتدار شخصی مانند اقتدار خانواده، پدر یا مادر، اقتدار الگویی مانند تأسی از بزرگان، اقتدار قانون و مقررات، و اقتدار سنت که توجه به ریشه‌ها و سنت‌های فرهنگی و اجتماعی دارد، تقسیم می‌کند (نورمن، ۱۳۸۷، ص ۹۸).

۱-۱-۲. ارزیابی و سنجش اخلاقی

نظام‌های ارزشی همواره جایگاه خود را در تبیین و تعریف مفاهیم داشته و دارند و با آنها نسبت‌سنجی می‌شوند؛ به این لحاظ، ارجاع به ارزش‌ها که البته اغلب نیز غیرمستقیم است، نقش مؤثری در بازنمایی از مفاهیم دارد. مشروعیت‌سازی، ارزیابی و سنجش اخلاقی، بیش از آن که بر مبنای اقتدار بدون توجیه باشد، بر مبنای صورت‌بندی از ارزش‌ها صورت می‌گیرد. ون لیوون، بر دو روش قیاس و انتزاع، برای تبیین ارزیابی اخلاقی تأکید می‌کند.

۱-۱-۳. عقلانی‌سازی

یعنی ارجاع به فهم عامه‌ی شهروندان و درک عرفی انسان‌ها و مشروعیت‌سازی به وسیله‌ی ارجاع به اهداف و کاربردهای کنش اجتماعی و دانش‌هایی که جامعه، آنها را تولید کرده است (نورمن، ۱۳۸۷، ص ۲۱۲). لازم به ذکر است در گفتمان معاصر، اخلاقی‌سازی و عقلانی‌سازی، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. ون لیوون، عقلانی‌سازی را به عقلانی‌سازی ابزاری و نظری تقسیم می‌کند؛ در عقلانی‌سازی ابزاری، اهداف، همانند مشروعیت‌سازی‌ها، در گفتمان ساخته می‌شوند. به این خاطر، هر چه نقش کارگزاران در یک نقش خاص و در یک عمل اجتماعی بیش‌تر باشد، آن کارگزاران بیش‌تر می‌توانند تولید مشروعیت نمایند، اما عقلانیت نظری، ارتباط

تنگاتنگی با مقوله‌ی طبیعی‌سازی دارد و می‌کوشد بازنمایی صریحی از چگونگی بودن چیزها را فراهم کند (بیرنه و سیلورمن، ۱۳۹۸، ص ۶۲).

۱-۱-۴. اسطوره‌سازی

عبارت است از مشروعیت‌سازی به وسیله‌ی روایت‌هایی که بر آینده‌ایشان به کنش‌های اجتماعی مشروع، پاداش می‌دهد و کنش‌های نامشروع را مجازات می‌کند. در اسطوره‌سازی، مشروعیت، گاه از طریق داستان‌سازی نیز به دست می‌آید؛ استفاده‌های نمادین از نشانه‌ها و تمثیل‌ها و الگویی افسانه‌ای و خیالی از اتفاقات می‌تواند منجر به تولید مشروعیت و مشروعیت دادن به نوع خاصی از بازنمایی شود (بیرنه و سیلورمن، ۱۳۹۸، ص ۶۸).



مطبوعات عصر مشروطه نیز در پی مشروعیت‌بخشی، به بازنمایی خود از مفهوم آزادی تأکید می‌کردند و هر یک تلاش داشتند تعریف خود از آزادی را منطبق بر شرع و عرف قلمداد نمایند.

این مقاله می‌کوشد تحلیل گفتمانی مشروعیت مفهوم آزادی و چگونگی بهره‌وری از تکنیک‌های ساخت مشروعیت به منظور بازنمایی آزادی را مبتنی بر الگوی ون لیوون در چهار نشریه‌ی قانون، جبل‌المتین، صور اسرافیل و مساوات (از بهار ۱۲۸۵ تا تابستان ۱۲۸۷) توضیح دهد و نشان دهد جهت‌گیری‌های این نشریات نسبت به مفهوم آزادی تا چه میزان ریشه در مبانی بینشی و معرفتی آنها داشته و آنها با کدام تکنیک‌ها به بازنمایی مفهوم آزادی به منظور تولید مشروعیت پرداخته‌اند.

۲. بازنمایی مشروطه‌خواهان از آزادی

مطبوعات عصر مشروطه در زمره‌ی آزادترین جریده‌های تاریخ ایران بوده‌اند. فضای عمومی منتهی به انقلاب مشروطه، پذیرش عدالت‌خانه و... از سوی پادشاه، نشان از این آزادی‌های نسبی داشت. برای مثال، مساوات، در شماره‌ی اول خود، از آزادی مطبوعات اظهار خوشوقتی می‌کند و پایان دوران گوشه‌نشینی صاحبان قلم را مژده می‌دهد (مساوات، ۱۳۲۵، س اول، ش اول، ص ۱). جبل‌المتین نیز درباره‌ی اصول مشروطیت و اهمیت جایگاه آزادی می‌گوید: «این اصول مشروطیت و مساوات و آزادی در صورتی نافع و مفید فایده تواند گردید که ملت دارای اخلاق فاضله باشد» (جبل‌المتین، ۱۳۲۴، س اول، ش ۱۸، ص ۲).

فضای جامعه‌ی ایران، دست کم در آن مقطع، فضایی پرنشاط بوده است. چنان‌که اشاره شد، با نگاهی به نشریات عصر مشروطه می‌توان دریافت که نخبگان این عصر، تعریف جامع و مشخصی از مفهوم آزادی نداشته و همواره دچار افراط و تفریط بوده‌اند. به‌طوری‌که برخی از آنها آزادی را به معنای مطلق بی‌قیدی قلمداد می‌کردند و برخی دیگر می‌کوشیدند مفهوم آزادی را در تطبیق با احکام شرع، تعدیل نمایند. به نظر می‌آید خاستگاه این برداشت‌های متفاوت از آزادی در این دوران، از دو دیدگاه معرفتی غرب و اسلام برخاسته است، زیرا در مطبوعات مورد مطالعه، هر دو خاستگاه مورد توجه واقع شده است. مساوات، در این باره به درک علمی از مفاهیم تأکید می‌کند و معتقد است: «اصطلاحات هر علم را باید شناخت و با دقت در همان مفهوم به کار برد»

(مساوات، ۱۳۲۵، س اول، ش اول، ص ۲). مساوات احتمال استنباط غلط و انحراف از این مفاهیم را دور از ذهن نمی‌دانسته است و می‌نویسد:

... در علوم سیاسی، هم‌چنین بعضی اصطلاحات هست که معانی آنها در آن علوم به نحو اکمل، معین و محدود است ولی وقتی آن الفاظ به ایران قدم نهاد، از معنی منحرف گشته و به معانی لغوی حمل شد و مورد مباحثات و مذاکرات و تأویلات قرار گرفت و از این قبیل است چند کلمه‌ی سیاسی نوظهور چون آزادی و مساوات و غیره (مساوات، ۱۳۲۵، س اول، ش اول، ص ۲).

علاوه بر انحراف، امکان تحریف و اختلاط با مفاهیم نزدیک به آزادی و آزادی بیان نیز فرضی است که به ذهن متبادر می‌شود و برخی نویسندگان عصر مشروطه نیز به چنین مسأله‌ای توجه داشته‌اند. نکته‌ی دارای اهمیت آن است که نویسندگان عصر مشروطه به فقدان فهم جامع و مانع و به عبارت دیگر ناآشنایی با این اصطلاحات اقرار داشته‌اند. برای مثال جبل‌المتین می‌نویسد: «شما را به خدا ملاحظه نمایند ملتی که هنوز نمی‌داند مشروطه یعنی چه؟ بلکه مشروطه را مشروع بگویند، چطور می‌تواند نجات خود را بخواهد؟» (جبل‌المتین، ۱۳۲۵، س اول، ش ۲۰، ص ۱۸).

واکاوی دقیق مطبوعات مورد مطالعه نشان می‌دهد که بخشی از این نویسندگان، تحت تأثیر مفاهیم و ایده‌های قرن هجدهم اروپا و عصر روشنگری بوده‌اند. اصطلاحاتی مانند وضع طبیعی، حق طبیعی، مساوات، قانون و ... نیز در نوشته‌های آنها دارای بسامد معناداری است به گونه‌ای که گاهی به نظر می‌آید مفاهیم از آثار متفکرانی مانند روسو و جان لاک رونویسی شده است. در مجموع می‌توان گفت جدای از مشروع‌خواهان که در مخالفت با آزادی اتفاق نظر داشتند و دو جریان مشروطه‌طلب نیز تنها به اشتراک لفظی درباره‌ی مفاهیم دلخوش بوده‌اند، این دو جریان مشروطه‌طلب که خود را طرفدار آزادی می‌دانستند، در بنیادی‌ترین مفهوم مشروطه، دارای اختلافی عمیق بوده‌اند. این دو جریان مشروطه‌طلب عبارت‌اند از: مشروطه‌خواهان غیرمذهبی و مشروطه‌خواهان مذهبی؛ در مقاله‌ی پیش رو، هر یک از این دو جریان مشروطه‌طلب مورد واکاوی قرار گرفته و سپس نمونه‌های اختلاف مفهومی آنها مورد نقد و بررسی واقع می‌شود.

۱-۲. مشروطه‌خواهان غیرمذهبی

چنان که گفته شد، مبنای این نگرش، مبتنی بر نگاه معرفتی مغرب‌زمین به آزادی است و تعریف آن را نیز باید در میان متفکران همان دیار جست‌وجو کرد. در این تعریف، مرزهای آزادی تنها در حدود آزادی دیگران تعریف می‌شود؛ چنین نگاهی برای آزادی، اصالت قائل می‌شود و از آن‌جا که همه‌چیز را در خدمت انسان و در تسخیر انسان می‌خواهد (لاک، ۱۳۸۳، ص ۱۵)، بنابراین هیچ حدی برای آزادی متصور نیست مگر قانون؛ البته آن نیز باید پاسدار آزادی‌های طبیعی شهروندان باشد؛ برای نمونه، صور اسرافیل دقیقاً به این مفهوم از آزادی تکیه می‌کند و می‌نویسد:

آزادی، رفتار نمودن انسان است در تمام امور مشروعه‌ی خود به نحو دل‌خواه، آیا سرحدی برای این رفتار دل‌خواه هست؟ سرحد این رفتار تنها آزادی دیگران است یعنی سرحد این آزادی تا آن‌جا منبسط می‌شود که به آزادی دیگران صدمه نرساند. حدود آزادی هر فرد هیأت دیوار آزادی فرد دیگر است (صور اسرافیل، ۱۳۲۵، س اول، ش ۱۲، ص ۲).

و یا جبل‌المتین نیز چنین تعریفی را درباره‌ی حدود آزادی مورد نظر دارد و می‌نویسد: «حد آزادی این است که آزادی هیچ‌کس به حق هیچ‌کس هیچ خللی وارد نیاورد» (جبل‌المتین، ۱۳۲۴، س اول، ش ۲۴، ص ۵) و محدوده‌ی آزادی را تنها قانون می‌داند و می‌نویسد: «هیچ احمقی نگفته است که باید به مردم آزادی ندهیم اما چه آزادی؟ آزادی قانون نه آزادی دل‌خواه» (جبل‌المتین، ۱۳۲۴، س اول، ش ۲۴، ص ۴). قانون نیز عبارت بود از پدیده‌ای که در آن برابری و عدالت تعریف جامع و مانعی داشته و بین انسان‌ها تفاوتی قائل نشده باشد. نشریه‌ی مساوات می‌نویسد: «مسلمانان بدانند اعلیٰ حضرت قدر قدرت؛ جناب حجة‌الاسلام؛ حضرت اشرف والا؛ جناب مستطاب اجل؛ عمده‌الاعیان؛ مشهدی سهراب تون‌تاب، و... در حقوق بشری متساوی و در مقابل قانون الهی یکسان‌اند» (مساوات، ۱۳۲۵، س اول، ش اول، ص ۳).

این گروه از مشروطه خواهان، علت عقب ماندگی رعایای ایران را در فقدان آزادی و قانون جست و جو می کردند. نشریه ی قانون می نویسد: «ایران مملو است از نعمات خداوند؛ چیزی که این نعمات را باطل گذاشته، نبودن قانون است» (قانون، ۱۳۰۷/ق/۱۲۶۵ ش، س اول، ش اول، ص ۱). تعریفی که این نشریات از آزادی و قانون داشته اند، بازخوانی نزدیکی از همین مفاهیم در اندیشه ی غربی است: روسو «قدرت برخاسته از اراده ی عمومی را قانون می داند (روسو، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱) و جان لاک قانون را از آن جا که برآمده از خواسته ی آحاد شهروندان است، مقدس می داند و معتقد است به این خاطر تنها عامل محدودکننده ی آزادی، باید قانون باشد زیرا مبتنی بر خیر و مصلحت عمومی است (لاک، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷).

بر این اساس می توان گفت رابطه ی نشریات با این متفکران، به نوعی بازخوانی همان تعاریف و اندیشه های غربی در ایران بدون توجه به حساسیت های بومی، محلی و شرعی بوده است. بنابراین، اگرچه به نظر بسیار مطلوب و خردمندانه می آمد، اما تبعات بعدی آن نیز اجتناب ناپذیر می نمود؛ مثلاً صوراسرافیل دقیقاً مضمون کلام روسو در قرارداد اجتماعی را بیان می کند و می گوید: «انسان فقط بعد از به دست آوردن آزادی می تواند خود را آدم بشمارد» (صور اسرافیل، ۱۳۲۵، س اول، ش ۱۲، ص ۲). این مفهوم که «آزادی، تأکید بر حق انتخاب شهروندان است» (توحیدفام، ۱۳۸۳، ص ۱۶۵) نیز مورد توجه نویسندگان عصر مشروطه بوده است؛ به این جهت، مطبوعات آن عصر، انتخاب و کیل، انتخاب وزرا و ... را حق رعایا می دانستند. جبل المتین در این باره می نویسد:

آزادی انتخاب یعنی هر شخص می تواند کسی دیگر را جایز انتخاب باشد. به محافظت حقوق خود در امور، جماعتی بگمارد و مجبور نیست که یک نفر معین و شخص مخصوص را به آن کار انتخاب کند (جبل المتین، ۱۳۲۵، س اول، ش ۱۳، ص ۱۵).

نشریاتی مانند صوراسرافیل و مساوات، ترجمان اندیشه های متفکران مغرب زمین در عصر مشروطه رابه عهده داشتند. نویسندگی صوراسرافیل البته تعریفی هم به فهم روحانیون

از آزادی می‌زند و از علما می‌خواهد تا به دیگران هم اجازه‌ی فهمیدن بدهند و می‌آورد:

معنی کلمه‌ی آزادی که تمام انبیاء، حکما و علمای دنیا، مستقیم و غیرمستقیم، برای تکمیل معنی آن کوشیده‌اند و ما تازه با هزار تردید و لکنت اسم آن را جاری می‌کنیم، همین است که مدعیان تولیت قبرستان ایران، کمال انسان را به معرفی‌های حکیمانه‌ی خودشان محدود نکرده و اجازه فرمایند نوع بشر به همان وسایل خلقتی در تشخیص کمال و پیروی آن، بدون هیچ دغدغه‌ی خاطر ساعی باشند (صور اسرافیل، ۱۳۲۵، س اول، ش ۱۲، ص ۲).

اما جبل‌المتین، رفتاری بینابین در استفاده از معارف غربی و احکام اسلامی داشته است و کوشیده است حتی الامکان، آن اندیشه‌ها را مؤید به مبانی شرعی نماید.

۲-۲. مشروطه‌خواهان مذهبی

چنان که بیان شد، در حالی که صور اسرافیل و مساوات در بازنمایی مفهوم آزادی از متون غربی بهره‌ی بیش‌تری می‌بردند، اما جبل‌المتین، علاوه بر مفهوم غربی آزادی، به استنباط‌های شرعی و اسلامی نیز توجه داشته است. در واقع می‌توان گفت جبل‌المتین، پیش‌قراول این بازنمایی دوگانه بوده است و آزادی را علاوه بر بازنمایی به مفهوم غربی آن، یعنی حق انتخاب آزاد و آزادی عمل در برابر صاحبان قدرت، بر پایه‌ی اصل امر به معروف و نهی از منکر نیز ارزیابی می‌کرده و می‌نویسد:

بدبختی ملل اسلام در این است که اصول بزرگ اسلام را گم کرده‌اند؛ همین آزادی کلام و قلم که کل ملل متحده اساس عالم می‌دانند، اولیای اسلام به دو کلمه‌ی جامعه بر کل دنیا ثابت و واجب ساخته‌اند. امر به معروف، نهی از منکر. کدام قانون دولتی است که حق کلام و قلم را صریح‌تر از این بیان کرده باشد؟ (جبل‌المتین، ۱۳۲۴، س اول، ش ۲۴، ص ۵).

و یا در جای دیگری، آزادی بیان را دقیقاً معادل امر به معروف و نهی از منکر بازنمایی می‌کند و می‌نویسد:

ما هرگز تصور نمی‌نماییم که اعضای شوری، راضی به سد این آزادی مشروع

از ملت خود شوند، چه سد این اساس نیکبختی، اولاً مخالف با شریعت مطهره است، یعنی امر به معروف و نهی از منکر را سد نموده‌اند (جبل‌المتین، ۱۳۲۵، سال دوم، ش ۴۵، ص ۳).

جبل‌المتین در موارد متعددی، آزادی را وسیله‌ای برای امر به معروف و نهی از منکر عنوان می‌کند و از آن‌جا که این فریضه‌ی الهی بدون آزادی، جامه‌ی تحقق به خود نمی‌پوشد، بنابراین، وجود آزادی ضرورت پیدا می‌کند تا رعایا بتوانند در برابر ظلم حکام و استبداد صاحب‌منصبان، از خود دفاع نمایند؛ و در همان حال، بر حق طبیعی و قانون طبیعی نیز تأکید می‌کرده است و بر آزادی نوع انسان در آفرینش اقرار داشته است. در کنار این بازنمایی دوگانه در جبل‌المتین، که هم‌نگاهی به معارف اسلامی دارد و هم می‌کوشد از اندیشه‌های متفکران غربی بهره‌بردار، نگاه دیگری نیز به دنبال اثبات این دیدگاه است که هیچ حرف و مفهوم تازه‌ای جز همان احکام و استنباط‌های اسلامی در اندیشه‌های مدرن وجود ندارد و مفاهیم مدرن دقیقاً همان سخنان علمای اسلام در مورد آزادی و قانون است. نشریه‌ی قانون می‌نویسد:

ما علمای اسلام را معلم و مرشد آدمیت خود قرار داده‌ایم. آنچه موافق علم علمای اسلام، حق است، ما آن را می‌پرستیم و هر لفظی که در اقوال ما مطابق عین اسلام نباشد، آن را از صمیم قلب رد و لعن می‌کنیم (قانون، بدون تاریخ، ش ۱۱، ص ۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲-۳. بازنمایی مفهوم آزادی در نشریات

در اینجا نمونه‌هایی از بازنمایی برای مفهوم آزادی و تولید مشروعیت با روش ون لیوون در مطبوعات مورد مطالعه را مورد ارزیابی قرار داده‌ایم. در میان چهار نشریه‌ی مورد مطالعه، تنها جبل‌المتین عمری طولانی داشته است و هر هفته حتی‌الامکان به طور منظم منتشر شده است، اما سه نشریه‌ی دیگر یعنی صوراسرافیل تنها سیزده ماه - که البته آن نیز با بارها توقیف و تهدید - منتشر شده است و نشریه‌ی مساوات و قانون هم تنها ۲۵ و ۴۰ شماره در دو سال منتشر شده‌اند.

حبل المتین

عنوان	حبل المتین
عقلانیت	<p>۱- «آزادی انتخاب یعنی هر شخص می‌تواند کسی دیگر را جایز الانتخاب باشد. به محافظت حقوق خود در امور، جماعتی بگمارد و مجبور نیست که یک نفر معین و شخص مخصوص را به آن کارانتخاب کند» (حبل المتین، ۱۳۲۵، سال ۱۵، ش ۱۳، ص ۱۵).</p> <p>۲- «چیزی که اسباب تعالی دستگاه دولت و ترقی هیأت اجتماعیه است، آزادی افکار و اقلام است» (حبل المتین، ۱۳۲۵، سال ۱۵، ش ۱۱).</p> <p>۳- «این اصول مشروطیت و مساوات و آزادی در صورتی نافع و مفید فایده تواند گردید که ملت دارای اخلاق فاضله باشد» (حبل المتین، ۱۳۲۴، س ۱۴، ش ۱۸).</p>
ارزیابی مبتنی بر قیاس	<p>۱- «سابق جرائد ما همه یک زبان شکایت از تقييد و عدم آزادی شکوه می‌کردند که دست محررین بسته است و طائر بلند پرواز افکارشان در قفس استبداد اسیر، ولی بعد از آن که از ارسال به این طرف، ندای آزادی در این مملکت داده شده و السنه و اقلام از سلاسل و اغلال منفک و از قيود استبداد آزاد شدند، دیگر بهانه و عذر از ارباب قلم مقطوع شد. جرائد در عده و کمیت وفور و بازار روزنامه‌فروشی رواج پیدا کرد باز آثار و نتایج مترقبه به ظهور نرسید و فوائد منتظره حاصل نشد، طریق استفاده از آزادی هم برایشان مجهول ماند» (حبل المتین، ۱۳۲۵، سال ۱۵، ص ۶).</p> <p>۲- «تجربه این را به ما یاد داد که در مملکت آزاد، آزاد باید بود و در همه چیز حریت لازم است. اعم از قول و اعتقاد و وجدان حقوق مساوات و... از این راه مستقیم بروید تا نجات یابید. خدا یار و پرستارتان باد» (حبل المتین، ۱۳۲۴، سال ۱۴، ش دوم، ص ۱۱).</p> <p>۳- «هیچ احمقی نگفته است که باید به مردم آزادی ندهیم..... اما چه آزادی؟ آزادی قانون نه آزادی دلخواه» (حبل المتین، ۱۳۲۴، سال ۱۴، ش ۲۴، ص ۴).</p>

عنوان	جبل المتین
اقتدارسازی مبتنی بر سنت	<p>۱- «بدبختی ملل اسلام در این است که اصول بزرگ اسلام را گم کرده‌اند. همین آزادی کلام و قلم که کل ملل متحده اساس عالم می‌دانند، اولیای اسلام به دو کلمه‌ی جامعه بر کل دنیا ثابت و واجب ساخته‌اند. امر به معروف - نهی از منکر، کدام قانون دولتی است که حق کلام و قلم را صریح‌تر از این بیان کرده باشد؟» (جبل المتین، ۱۳۲۴، سال ۱۴، ش ۲۴، ص ۵).</p> <p>۲- «ما هرگز تصور نمی‌نماییم که اعضای شوری راضی به سد این آزادی مشروع از ملت خود شوند، چه سد این اساس نیکبختی؛ اولاً مخالف با شریعت مطهره است، یعنی امر به معروف و نهی از منکر را سد نموده‌اند» (جبل المتین، ۱۳۲۵، سال ۱۵، ش ۴۵، ص ۳).</p>

مساوات

عنوان	مساوات
اقتدارسازی کارشناسانه	<p>۱. «اصطلاحات هر علم را باید شناخت و با دقت در همان مفهوم بکار برد» (مساوات، ۱۳۲۵، سال اول، ش اول، ص ۲).</p> <p>۲. «... در علوم سیاسی هم چنین بعضی اصطلاحات هست که معانی آنها در آن علوم به نحو اکمل معین و محدود است ولی وقتی آن الفاظ به ایران قدم نهاد از معنی منحرف گشته و به معانی لغوی حمل شد و مورد مباحثات و مذاکرات و تأویلات قرار گرفت و از این قبیل است چند کلمه‌ی سیاسی نوظهور چون آزادی و مساوات و غیره» (مساوات، ۱۳۲۵، سال اول، ش اول، ص ۲).</p> <p>۳. «آزادی است بدان معنی که در علوم سیاسی استعمال می‌شود. این مساله چند کلمه توضیح لازم دارد، بعضی از الفاظ اصطلاحی در علوم سیاسی هست که در نزد غیر عارفین به آن فن به کلی مجهول مانده و اغلب به</p>

عنوان	مساوات
	<p>معانی لغوی محمول می‌شوند، مانند لفظ ظل مثلاً که از اصطلاحات علم هندسه و مثلثات است و به یک چیزی در آن علم اطلاق می‌شود که نسبتی با معنی لغوی آن ندارد، حال آن‌که اگر یک شخص غیرواقف به آن فن، به این لفظ اصطلاحی تصادف کند، لابد آن را به معنی سایه خواهد گرفت و هکذا» (مساوات، ۱۳۲۵، س اول، ش اول، ص ۲).</p> <p>۴. «چنان که حریت و مساوات وقتی که در ممالک متمدنه استعمال می‌شوند معانی مخصوصه نامه واضح از آنها مفهوم است که به مرور قرن و اعصار و رسوخ در اذهان آن معانی متبادر گشته مثلاً حریت استعمال می‌شود در حریت سیاسی و هر وقت استعمال می‌شود متبادر همان است یعنی آزادی از استبداد دولتی و مداخله‌ی تمام افراد ملت در امور سیاسی از طریق زبان و قلم و اجتماعات و اظهار هر کسی رأی خود را در مصالح عامه و امور جمهور بر خلاف استبداد که زبان‌ها بسته و اقلام شکسته است (مساوات، ۱۳۲۵، س اول، ش اول، ص ۲).</p>
<p>ارزیابی مبتنی بر قیاس</p>	<p>۱. «سابق جرائد ما همه یک زبان شکایت از تقیید و عدم آزادی گلایه می‌کردند که دست محررین بسته است و طائر بلندپرواز افکارشان در قفس استبداد اسیر؛ ولی بعد از آن که از پارسال به این طرف ندای آزادی در این مملکت داده شده و السنه و اقلام از سلاسل و اغلال، منفک و از قیود استبداد آزاد شدند، دیگر بهانه و عذر از ارباب قلم مقطوع شد. جرائد در عده و کمیت وفور و بازار روزنامه‌فروشی رواج پیدا کرد باز آثار و نتایج مترقبه به ظهور نرسید و فوائد منتظره حاصل نشد، طریق استفاده از آزادی هم برایشان مجهول ماند» (مساوات، ۱۳۲۵، س اول، ش ۱، ص ۱).</p> <p>۲. «در هنگامی که پشت دولت نامی ایران به واسطه‌ی شهوت‌رانی‌های شاه گذشته زیر فشار بار گران کورورها قرض موحش خانه‌برانداز خمیده و</p>

عنوان	مساوات
	<p>نوی جنگی و تدارکات حربی به طفیل اغراض بوالهوسانه دیوانیان خائن یکسره به تحلیل رفته - قورخانه‌ی دزدان را نانخانه شده - و ذخیره روسپیان را نان خورش و جیره گردید - توپخانه به بهای میل لولیان رفت سرباز و سوار چون حیوانات ماکول اللحم قوت امرای بی‌رحم و سران سپاه بی همه چیز گردید» (مساوات، ۱۳۲۵، س اول، ش ۱۲ ص ۱).</p>
<p>ارزیابی مبتنی بر ارزش گذاری</p>	<p>۱. «روزی نیست که در مجالس و محافل سخن از این ماده در میان نیاید آیا مقصود حریت، حریت افعال و آزادی از تکالیف است یا مراد این ملاعین حریت عقاید و ادیان و حریت از .. و حریت از... الخ است و متصل است در مضاف الیه این کلمه مباحثات و مشاجرات می‌کنند و حال آن که چنانچه عرض شد باید این کلمه را بدون مضاف الیه به همان معنی سیاسی مخصوص تخصیص نمود» (مساوات، ۱۳۲۵، ش اول، ص ۳).</p>

صور اسرافیل

عنوان	صور اسرافیل
عقلانیت	<p>۱. «آزادی رفتار نمودن انسان است در تمام امور مشروعه‌ی خود به نحو دل‌خواه، آیا سرحدی برای این رفتار دل‌خواه هست؟ سرحد این رفتار تنها آزادی دیگران است.... یعنی سرحد این آزادی تا آنجا منبسط می‌شود که به آزادی دیگران صدمه نرساند. حدود آزادی هر فرد هیأت دیوار آزادی فرد دیگر است» (صور اسرافیل، ۱۳۲۵، ش ۱۲، ص ۲).</p> <p>۲. «واگذارن انسان را به خود او برای پیروی طریق ترقی خود و یافتن راه کمال نفس کافی است. تنها خواهشی که از هر رییس روحانی و جسمانی باید کرد این است که بعد از این لازم نیست نه به زور چوب نه با</p>

عنوان	صور اسرافیل
	<p>تجسم استدلال و نه به تازیان‌هی طریقت کمال منتظره را به ما معرفی فرمایید. شما فقط اجازه بدهید که ما در تمیز و تشخیص کمال خودمان به‌شخصه مختار باشیم و بعد از آن هم قدغن فرمایید که هواخواهان ترقی ملت طریق و راه آن را بروی ما سد نکنند» (صور اسرافیل، ۱۳۲۵، س اول، ش ۱۲، ص ۲).</p> <p>۳. «انسان فقط بعد تحصیل این حق، یعنی بعد از به‌دست آوردن آزادی، می‌تواند خود را آدم شمرده، اعمال و افعال خود را نسبت به خود داده و به جدوجهد شخصی و یا کار انداختن لطایف تکمیل خود را به بالاترین رتبه‌ی وجود. و آنجاها که هنوز عقل امروزی دنیا قصور دارد برساند» (صور اسرافیل، ۱۳۲۵، س اول، ش ۱۲، ص ۲).</p>
اقتدارسازی کارشناسانه	<p>۱. «انسان فقط بعد از به‌دست آوردن آزادی می‌تواند خود را آدم بشمارد» (صور اسرافیل، ۱۳۲۵، س اول، ش ۱۲، ص ۲).</p> <p>۲. «آزادی رفتار نمودن انسان است در تمام امور مشروعی خود به نحو دل‌خواه آیا سرحدی برای این رفتار دل‌خواه هست؟ سرحد این رفتار تنها آزادی دیگران است.... یعنی سرحد این آزادی تا آن‌جا منبسط می‌شود که به آزادی دیگران صدمه نرساند. حدود آزادی هر فرد هیأت دیوار آزادی فرد دیگر است (صور اسرافیل، ۱۳۲۵، س اول، ش ۱۲، ص ۲).</p>
اقتدارسازی مبتنی بر قانون	<p>۱. «معنی کلمه‌ی آزادی که تمام انبیا، حکما، و علمای دنیا، مستقیم و غیرمستقیم برای تکمیل معنی آن کوشیده‌اند و ما تازه با هزار تردید و لکنت اسم آن را جاری می‌کنیم، همین است که مدعیان تولیت قبرستان ایران، کمال انسان را به معرفی‌های حکیمانه‌ی خودشان محدود نکرده و اجازه فرمایند نوع بشر به همان وسایل خلقتی در تشخیص کمال و پیروی آن بدون هیچ دغدغه‌ای خاطر ساعی باشند» (صور اسرافیل، ۱۳۲۵، س اول، ش ۱۲، ص ۲).</p>

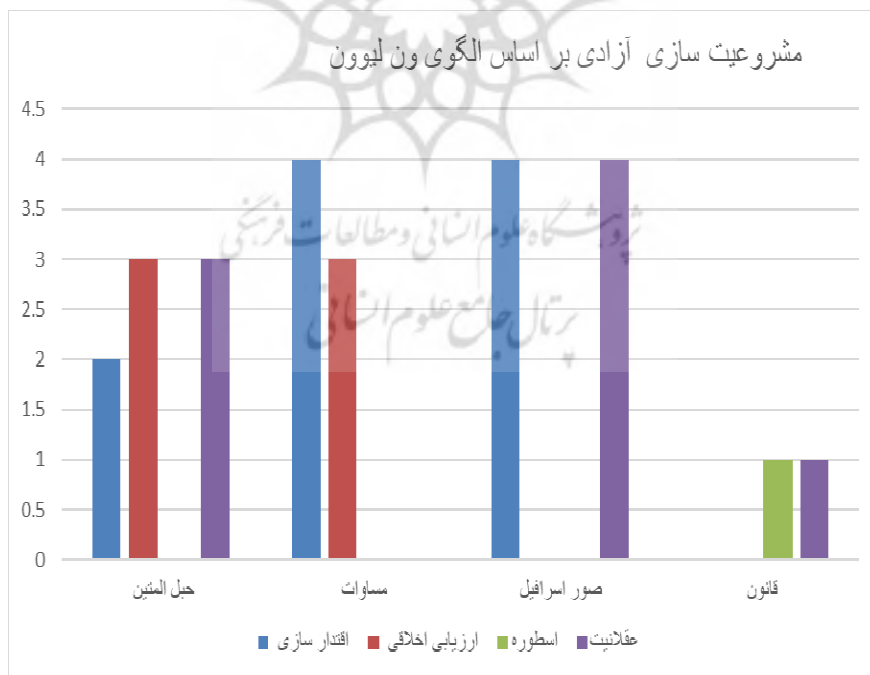
عنوان	صور اسرافیل
	۲. «زبان و قلم در مصالح امور ملک و ملت آزاد شد و جرائد و مطبوعات برای انتشار نیک و بد مملکت حریت یافت» (صور اسرافیل، ۱۳۲۵، س اول، ش اول، ص ۱).
عقلانیت	۱. «آن کار بزرگ کدام است؟ آن کار بزرگ، گسیختن زنجیر عبودیت و رقیت افراد ملت و داخل کردن آنها را از برای آزادی به جرگه‌ی انسانیست. آن کار بزرگ، بنای اساس مشروطیت و کندن ریشه‌ی استبداد است. محققاً وقتی که دیگر هیچ کس نتوانست به علت میل شخصی تحکم کند و حق امر و نهی را داشته باشد آن ملت آزاد است. آن ملت راهنما و پیشوا و مقنن و تکلیف‌معلوم‌کن می‌خواهد. چرا؟ زیرا که آزادی هر فردی از افراد این مملکت باید به‌درجه‌ای باشد که آن آزادی باعث سلب آزادی و اسباب صدمه‌ی نوع او نشود. اما درجه‌ی آن آزادی را نه سلطان، نه وزیر، نه وکیل، نه قاضی، هیچ کس به‌جز قوه‌ی مقننه حق معلوم کردن ندارد» (صور اسرافیل، ۱۳۲۵، س اول، ش ۲۰، ص ۳).

قانون

عنوان	قانون
عقلانیت	«معنی قدرت قلم را هنوز اهالی ایران درست ملتفت نشده‌اند زیرا که درجه‌ی قدرت قلم، بسته به درجه‌ی آزادی قلم است؛ در هر دولتی که مردم مأذون هستند، افکار حسنه خود را به طرزهای حسنه بیان نمایند قلم فضلا بهترین مشعل ترقی» (قانون، ۱۳۰۷/ق۱۲۶۵، س اول، ش اول، ص ۵).
اسطوره‌سازی	«اما علمای اسلام را معلم و مرشد آدمیت خود قرار داده‌ایم. آنچه موافق علم علمای اسلام حق است ما آن را می‌پرستیم و هر لفظی که در اقوال ما مطابق عین اسلام نباشد آن را از صمیم قلب، رد و لعن می‌کنیم» (قانون، بدون تاریخ، ش ۱۱، ص ۲).

جمع بندی

عقلانیت	اسطوره	ارزیابی اخلاقی	اقتدار سازی	نشریه
۳		۳	۲	جبل المتین
		۳	۴	مساوات
۴			۴	صور اسرافیل
۱	۱			قانون
۸ (۳۲٪)	۱ (۴٪)	۶ (۲۴٪)	۱۰ (۴۰٪)	جمع



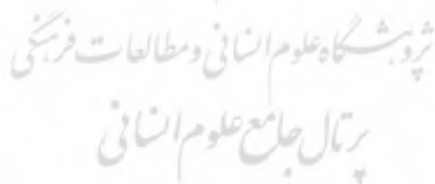
نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بازنمایی مفهوم آزادی در نشریات مشروطه‌طلب قانون، جبل‌المتین، صور اسرافیل و مساوات، بر اساس روش ون لیوون بود؛ بر این اساس و در راستای تحقق هدف اصلی، به پرسش‌های پژوهش که عبارت بودند از: مطبوعات عصر مشروطه، مفهوم آزادی را چگونه بازنمایی کرده‌اند؟ و این بازنمایی‌ها به چه پیامدهایی برای نهضت مشروطه منجر شد؟ پرداخته شد. بر این مبنای کوشیدیم بر اساس الگوی ون لیوون، شاخص‌های مشروعیت‌سازی مفهوم آزادی را بررسی نماییم و نشان دهیم مطبوعات مورد مطالعه مبتنی بر کدام تکنیک‌ها کوشیدند تا بازنمایی خود را از مفهوم آزادی به عنوان مفهوم غالب در ادبیات عصر مشروطه القا کنند. در پاسخ به پرسش‌های فوق، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، بر اساس الگوی معرفتی نویسندگان مطبوعات مورد مطالعه، تکنیک‌های مشروعیت‌بخشی به مفاهیم نیز تغییر کرده است. نویسندگان برخی مطبوعات مشروطه‌طلب به علت آشنایی با اندیشه‌های مغرب‌زمین کوشیدند تا تفسیری از آزادی ارائه دهند که نزدیکی‌های بسیاری به تعریف متفکران غربی از آزادی داشت. این نزدیکی‌ها آن‌چنان بود که گاه می‌شد برخی عبارت‌ها را ترجمه‌ی نوشته‌های روسو و لاک دانست و به این خاطر نگاهی سکولار مبتنی بر حق طبیعی بشر را در جامعه‌ی ایران بازنمایی می‌کرد و بر این اساس از تکنیک‌های خاص خود بهره می‌بردند. استفاده‌ی صور اسرافیل و مساوات که می‌توان آنها را ذیل نشریات غیرمذهبی جای داد، استفاده از تکنیک اقتدارسازی در الگوی ون لیوون فراوانی بیش‌تری دارد. این دو نشریه، در مراحل بعدی، از تکنیک‌های عقلانیت و ارزیابی اخلاقی نیز بهره برده‌اند و این نشان‌گر نزدیک‌بودن بازنمایی آنها از آزادی مبتنی بر نگاهی معرفتی است؛ این در حالی است که نشریه‌ی جبل‌المتین تلاش کرده است از تکنیک‌های اقتدارسازی، ارزیابی اخلاقی و عقلانیت در فراوانی نزدیک به هم بهره ببرد.

«جبل‌المتین» می‌کوشید راهی بینابین در میان سنت‌های دینی/ ملی و مدرنیسم انتخاب نماید و بر این اساس، آزادی را لازمه‌ی فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر تعبیر می‌کرد. نشریه‌ی قانون نیز معتقد بود علمای اسلام همان مفاهیم مدرن را در ذهن

دارند و منظور نویسندگان، همان مفهومی است که علما و اسلام آن را می‌گویند و لاغیر. تکنیک‌های مورد استفاده این نشریه نیز اسطوره و عقلانیت با فراوانی پایین بوده است و این در حالی است که مساوات و صوراسرافیل، بر بازنمایی آزادی بر اساس مفهوم مبتنی بر قرارداد اجتماعی تأکید داشتند.

اگرچه در بهره‌برداری از برخی تکنیک‌ها مانند ارزیابی اخلاقی و عقلانیت، هم‌پوشانی گفتمانی مشاهده می‌شود، اما تفاوت‌ها بر هم‌پوشانی‌ها غالب بود و این بازنمایی‌های مختلف از مفاهیم، فرصت را برای مخالفان مشروطه فراهم آورد تا بکوشند با استفاده از قدرت قاهره‌ی استبداد، مفهومی را که در حوزه‌ی معرفتی توان تبیین آن را نداشتند، با توسل به زور به کرسی بنشانند. به این خاطر امکان پیدایش یک تعریف مشترک از میان رفت و در فضای سرد و بدون اشتراک معنوی و لفظی، مشروطه - محصول زحمات آزادی‌خواهان و خیرخواهان - میوه‌ای جز استبداد دربرداشت.



فهرست منابع

- بیرنه، آ.ا.؛ سیلورمن، ه.ج. (۱۳۹۸). و آن گاه معنا زاده شد (بازنمایی، شبیه‌سازی، سوژه). (مترجم: ا. رضایی‌پناه و همکاران). تهران: انتشارات تمدن علمی.
- توحیدفام، م. (۱۳۸۳). چرخش‌های لیبرالیسم. تهران: انتشارات روزنه.
- روسو، ژ.ژ. (۱۳۸۴). قرارداد اجتماعی (متن و زمینه متن). (مترجم: م. کلاتریان). تهران: آگاه.
- زرگری نژاد، غ. (۱۳۸۷). رسایل مشروطیت. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- لاک، ج. (۱۳۸۳). رساله‌ای درباره تساهل. (مترجم: ک. شیرزاد گلشاهی). تهران: نشر نی.
- لاکلا، ا. و همکاران. (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان سیاسی. (مترجم: ا. رضایی‌پناه، س. شوکتی مقرب). تهران: انتشارات نیسا.
- ملک زاده، م. (۱۳۸۳). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران: سخن
- مهدی‌زاده، س.م. (۱۳۷۸). رسانه‌ها و بازنمایی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- نشریه جیل‌المتمین (۱۲۸۵-۱۲۸۷). سال ۱۴، شماره ۱۸؛ سال ۱۵، شماره ۱۳؛ سال ۱۴، شماره ۲۴؛ سال ۱۵، شماره ۴۵؛ سال ۱۵، شماره ۲۰.
- نشریه صور اسرافیل. (۱۳۲۵). سال اول، شماره ۱۲.
- نشریه قانون. (۱۳۰۷ق). سال اول، شماره ۱؛ شماره ۱۱.
- نشریه مساوات. (۱۳۲۵). سال اول، شماره ۱.
- نورمن، ف. (۱۳۸۷). تحلیل انتقادی گفتمان. گروه مترجمان. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- هال، ا. (۱۳۸۲). غرب و بقیه: گفتمان و قدرت. (مترجم: ح. راغفر). تهران: انتشارات نقش و نگار.
- هال، ا. (۱۳۸۶). غرب و بقیه: گفتمان و قدرت. (مترجم: م. متحد). تهران: آگاه.

References

- Birnah, A. A., & Silverman, H. J. (1398 AH). *And Then Meaning Was Born: Representation, Simulation, Subject*. (A. Rezaei-Panah et al., Trans.). Tehran: Tamadon-e-Elmi. [In Persian]
- Habl al-Matin Magazine* (1285-1287 AH). Year 14, Issue 18; Year 15, Issue 13; Year 14, Issue 24; Year 15, Issue 45; Year 15, Issue 20.
- Hall, S. (1382 AH). *The West and the Rest: Discourse and Power*. (H. Raghefar, Trans.). Tehran: Naghsh-o-Negar. [In Persian]
- Hall, S. (1386 AH). *The West and the Rest: Discourse and Power*. Motahed. M, Trans.). Tehran: Agah. [In Persian]
- Laclau, E., & a group of authors. (1395 AH). *Analysis of Political Discourse*. (A. Rezaei Panah & S. Shokati-Moghadam, Trans.). Tehran: Nisa. [In Persian]
- Lak, J. (1383 AH). *An Essay on Tolerance*. (K. Shirzad Golshahi, Trans.). Tehran: Ney. [In Persian]
- Malekzadeh, M. (1383 AH). *The History of the Constitutional Revolution in Iran*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Mehdizadeh, S. M. (1378 AH). *Media and Representation*. Tehran: Office of media studies and development. [In Persian]
- Mosaavat Magazine*. Year 1, Issue 1.
- Norman, F. (1387 AH). *Critical Discourse Analysis. Translation Group*. Tehran: Office of media studies and development. [In Persian]
- Qanon Magazine*. Year 1, Issue 1; Issue 11.
- Rousseau, J.-J. (1384 AH). *The Social Contract: Text and Context*. (M. Kalantarian, Trans.). Tehran: Agah. [In Persian]
- Sore Eserafil Magazine*. Year 1, Issue 12.
- Touhidi Fam, M. (1383 AH). *Shifts of Liberalism*. Tehran: Rozaneh Publications. [In Persian]
- Zargarinezhad, G. (1387 AH). *The Constitutional Messages*. Tehran: Humanities Research and Development Institute. [In Persian]